

پژوهشی تطبیقی در آیات مهدوی؛ شناسایی آیات و دلالت آن‌ها

امید پیشگر (نویسنده مسئول)^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۱۲

چکیده

مسئله این پژوهش، شناسایی آیاتی است که با رویکرد تفسیر مقارن بر موضوعی از موضوعات مرتبط با امام مهدی علیه السلام دلالت دارد و نیز چستی آن موضوعات است. به شکل روشن، این پژوهش در پی آیاتی می‌گردد که فریقین (عامه و امامیه) هم‌صدا با هم، تفسیر یا تأویل آن را مربوط به امام مهدی علیه السلام می‌دانند و اینکه آن آیات به چه موضوعی درباره آن حضرت دلالت دارد. در این پژوهش که به صورت کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا انجام شده است، روشن شد که تنها پنج آیه از قرآن است که با رویکرد تفسیر مقارن، فریقین، تأویل و نه تفسیر آن را مرتبط با امام مهدی علیه السلام می‌دانند و نیز این آیات بر مصداق بودن امام مهدی علیه السلام در سوره نساء، رخدادهای ظهور (دجال) در سوره‌های انعام، توبه و سبأ و ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام در سوره شوری دلالت دارند.

کلیدواژه‌ها: آیات مهدوی، دلالت، مقارن، تطبیقی، روایت، بطن، ظاهر.

۱. دکترای تفسیر تطبیقی، پژوهشگر و مدرس، مدرسه علمیه تخصصی رفیع‌المصطفی علیه السلام، تهران، ایران.

مقدمه

قرآن کریم مهم‌ترین مستند نقلی در آموزه‌های دین اسلام است. روایات هم گرچه به همین میزان اهمیت استنادی و استنباطی دارند؛ ولی اعتبارشان را مرهون عرضه و سپس همراهی با قرآن هستند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۷۰-۶۹) موضوع امام مهدی علیه السلام یکی از این آموزه‌هاست که باور به آن در میان مسلمانان و پیروان قرآن یکسان نیست. بیشترین باور با گستردگی در فروعات آن در میان امامیه وجود دارد و مسلمانان دیگر خوانشی نزدیک یا متفاوت از آن دارند. اینکه قرآن کریم، کتابی که همه مسلمان به حقانیت و وحیانیت آن ایمان دارند، تا چه اندازه در این باره سخن گفته است و مسلمانان، به‌ویژه امامیه برای اثبات درستی باور خود به امام مهدی علیه السلام و جزئیات مربوط به آن حضرت، به کدام آیات می‌توانند استناد کنند، مسئله‌ای است که باید به آن پاسخ داد.

این پژوهش در پی یافتن آیاتی از قرآن کریم است که از نگاه مفسران فریقین به شکل ویژه درباره امام مهدی علیه السلام است تا در نهایت روشن کند از نگاه آن‌ها کدام آیات تا چه اندازه و به کدام موضوعات درباره امام مهدی علیه السلام دلالت دارند.

جدا از نظرهایی که مفسران در تفسیر برخی آیات در این باره داده‌اند، تلاش‌های علمی مستقلی هم انجام شده است که در ادامه گزارشی از آن تقدیم می‌شود:

۱. کتاب بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت در دیدگاه فریقین، نوشته فتح‌الله نجارزادگان. نویسنده محترم در این کتاب آیات اظهار دین (توبه، ۳۳-۳۲) و آیه وعد (نور، ۵۵) را بررسی کرده و پس از نقل دیدگاه امامیه و سپس عامه، نظرات مخالف با دیدگاه امامیه را نقد کرده است. با همه ویژگی‌های ارزشمندی که این اثر دارد؛ ولی به نظر می‌رسد در بیان دلالت آیات، آنگونه که باید موفق نبوده است.

۲. کتاب هدایت به مهدی؛ جامع آیات مهدوی در بیان عترت، نوشته سعید اصفهانیان و دیگران. نویسندگان در این کتاب چهار جلدی تلاش کرده‌اند با تکیه بر روایات، آیاتی را که اشارتی به امام مهدی علیه السلام دارند، شماره کنند. نویسندگان این اثر با همه تلاشی که برای سامان دادن به آن کرده‌اند؛ ولی به نوشتن روایات همراه با ترجمه آن‌ها در زیر آیات بسنده کرده‌اند و توضیحی درباره چگونگی دلالت آیات نداده‌اند. افزون بر این، رویکرد مقارن نیز در آن دیده

نمی‌شود؛ هرچند از منابع عامه مانند الدر المنثور بهره جسته‌اند. (اصفهانیان، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۶۸)

۳. مقاله آیات مهدویت در قرآن از منظر احادیث تفسیری، نوشته محمدعلی رضایی اصفهانی. در این اثر نویسنده رویکرد تطبیقی به تفسیر آیات نداشته است و نگاه او تنها به روایات تفسیری ذیل آیات است و بر همان پایه، دلالت آیات بر موضوع مهدویت را یافته و آن‌ها را دسته‌بندی کرده است.

۴. مقاله واپسین روزهای تاریخ در آیه ۵۵ سوره نور از دیدگاه مفسران، نوشته رضا مهدیان‌فر و نیز سلسله مقالات تحلیل آیات و روایات مهدوی، نوشته مهدی حسینیان قمی، نمونه‌هایی هستند از پژوهش‌هایی که تنها بر یک یا دو آیه تمرکز کرده‌اند و تلاش کرده‌اند به روش تفسیری معنای آیات را روشن کنند یا مقاله وارثان زمین در آیات مهدویت، نوشته حسن سروش و دیگران که تنها یک موضوع مرتبط با مهدویت را در قرآن بررسی کرده‌اند.

۵. دانشنامه امام مهدی علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، نوشته محمد محمدی ری‌شهری و دیگران. نویسندگان این اثر تلاش کرده‌اند آیات، روایات و نیز گزارش‌های تاریخی درباره امام مهدی علیه السلام را گرد آورده، آن‌ها را دسته‌بندی کرده و در هر کجا که لازم دیدند توضیح و تحلیلی درخور ارائه داده‌اند.

این دانشنامه در چهارده بخش تنظیم شده است. عنوان فصل پنجم از بخش یکم آن، اشارت‌ها و بشارت‌های قرآن درباره امام مهدی علیه السلام است. (ری‌شهری، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۷۳) در این بخش، هفت دسته آیه آمده است که هریک را به موضوعی مهدوی ارتباط داده‌اند. در پایان این فصل توضیحی درباره آیات یادشده داده‌اند و در آن آیاتی را که به حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام تفسیر یا تأویل شده‌اند، به چهار دسته تقسیم کرده‌اند.

روش و دستاورد پژوهش در این بخش مانند مقاله آیات مهدویت در قرآن از منظر احادیث تفسیری است که در شماره ۳ از آن یاد کردیم.

۶. کتاب مهدویت از نگاه مفسران اهل سنت، نوشته مصطفی ورمزیار. در این اثر نیز نویسنده رویکرد تطبیقی به تفسیر آیات نداشته است و تنها به گفته مفسران اهل سنت درباره امام مهدی علیه السلام توجه داشته است.

بررسی‌های نویسنده نشان می‌دهد تاکنون پژوهشی با رویکرد تطبیقی برای شناسایی آیات مهدوی و موضوعاتی که به آن دلالت دارند و نیز میزان دلالت آن‌ها به شکل مستقل انجام نشده است و تلاش‌های نزدیک به این هدف، آن‌گونه که باید میزان دلالت را نمایان نساخته‌اند.

۱- مفهوم‌شناسی

تفسیر: آنچه در این پژوهش به کار می‌آید، تعریف اصطلاحی تفسیر است که مفسران و اندیشمندان علوم قرآنی درباره آن سخن بسیار گفته‌اند. (رجبی، ۱۳۹۱، ص ۷-۱۰) گرچه تعریف‌های یادشده در پرتو دقت‌های علمی با هم اختلاف‌هایی دارند؛ ولی می‌توان گفت همگی القاء‌کننده یک معنا هستند و آن بیان مراد الهی از آیات قرآن کریم است. سخن در ارزیابی تعریف‌های یادشده بیرون از رسالت این پژوهش است؛ از این رو تنها به سرانجام آن ارزیابی که بیان تعریف مختار خود از تفسیر است، بسنده می‌کنیم:

تفسیر تلاشی علمی برای کشف مراد الهی از الفاظ آیات قرآن کریم است که به کمک هرگونه گزاره یقین‌آور یا اطمینان‌بخش انجام می‌گیرد.

با قید «تلاش علمی»، ترجمه از تفسیر جدا می‌شود. آیت‌الله معرفت در این باره می‌نویسد: تفسیر در جایی است که گونه‌ای ابهام در لفظ وجود دارد که موجب ابهام در معنا و دلالت کلام می‌شود و برای زدودن ابهام و نارسایی، کوشش فراوانی می‌طلبد. همین نکته مرز بین تفسیر و ترجمه است. (معرفت، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۴)

با قید «کشف مراد الهی»، برداشت‌ها و فهم‌هایی که تنها ناظر به متن است یا زاییده ذهن فهمنده و نه مراد خدای متعال از واژگان قرآن کریم، تفسیر نامیده نخواهند شد. این برداشت‌ها و فهم‌ها همان‌هایی هستند که هرمنوتیک مفسرمحور (فلسفی) و هرمنوتیک متن‌محور آن‌ها را به رسمیت می‌شناسد. از مشترکات این دو، انفصال متن از مؤلف آن و استقلال معنایی آن و نادیده انگاشتن قصد و پیام مؤلف در متن است. (سعیدی روشن، ۱۳۸۳، ص ۱۰۹)

با قید «الفاظ آیات قرآن»، تأویل را از تفسیر جدا می‌کنیم؛ هرچند آن نیز تلاش علمی برای کشف مراد الهی است؛ با این تفاوت که در تفسیر، مراد الهی با تکیه بر واژگان دانسته

می‌شود؛ ولی در تأویل، تکیه‌گاه جزء واژگان است و پژوهشگر با لایه‌های معانی بطنی سر و کار دارد.

گفتنی است: می‌توان حوزه معنایی تفسیر را به‌گونه‌ای گستراند که تأویل را هم در بر بگیرد. آنگاه در تعریفش بگوییم: تلاش علمی برای کشف مراد الهی از همه لایه‌های معنایی قرآن کریم؛ هم معنا و مرادی که از واژگان دانسته می‌شود و هم آنی که در لایه‌های بطنی اراده شده است. منظور از تفسیر در این پژوهش، تفسیر در کنار تأویل است؛ نه منطبق بر آن.

قید پایانی (به کمک هرگونه گزاره یقین‌آور یا اطمینان‌بخش) تلاش‌هایی را که تنها به یک قرینه فهم متن مانند روایات، تکیه و تأکید دارد از دایره تفسیر درست کنار می‌گذارد. تأویل: سخن در معنای لغوی و اصطلاحی تأویل بسیار است (معرفت، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۷-۳۱) مراد ما از تأویل در اینجا تلاش علمی برای یافتن معنایی است که خدای متعال فراتر از معنای ظاهری الفاظ اراده کرده است. معنایی که واژگان آیه بر آن دلالت نمی‌کند و به‌وسیله دلیل بیرونی به دست می‌آید. در اصطلاح گفته می‌شود: «تفسیرُ کُلِّ آیه ظُهرُها و تأویلُها بطنُها؛ تفسیر هر آیه‌ای، معنایی است که با تکیه بر واژگان دانسته می‌شود و تأویل آن معنایی است در باطن آن، که ظاهر نیست». (همان، ص ۲۸) در روایت امام باقر علیه السلام آمده است: «ظُهرُهُ تَنْزِيلُهُ وَ بَطْنُهُ تَأْوِيلُهُ» (صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۹۶) ظاهرش همان تنزیل آن است و باطنش، تأویل آن.

بنابراین معنایی که به شکل روشمند از سطح واژگان دانسته می‌شود، معنای تنزیلی و تفسیری آیه است و معنایی که آن هم به شکل روشمند کشف می‌شود؛ ولی جز معنای ظاهری آیه است و در لایه‌های دیگر معنایی آن قرار دارد؛ معنای بطنی یا تأویلی نام دارد. این معانی باطنی که دلالت آیات بر آن‌ها آشکار نیست؛ مراتبی دارند. به برخی مراتب آن، تنها راسخان در علم (پیامبر و امامان علیهم السلام) راه دارند ولی برخی مراتب آن، برای جز ایشان با تأمل و دقت و از راه جری و تطبیق و تنقیح مناط قطعی دست‌یافتنی است. (بابایی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۲۱-۲۰؛ معرفت، ۱۴۲۷، ص ۱۰)

تطبیقی: مراد، مطالعه‌ای مقایسه‌ای است که حوزه آن را مضاف آن مشخص می‌کند؛ برای نمونه: منظور از تفسیر تطبیقی، مطالعه‌ای مقایسه‌ای در حوزه تفسیر است. (طیب‌حسینی،

۱۳۸۹، ج ۸، ص ۲۲۲) در این پژوهش مقایسه میان دیدگاه عامه و امامیه در تفسیر آیات انجام می‌گیرد تا نقاط اتفاق و اختلاف این دو در تفسیر آیات مهدوی آشکار شود. هدف اصلی نویسنده از این مقایسه کشف و نمایان‌سازی مشترکات قرآنی فریقین در این موضوع است. دلالت: بودن شیء به حالتی است که وقتی به وجود آن آگاه شوی ذهنت به وجود شیء دیگر منتقل شود. دلالت، سه گونه اصلی دارد: عقلی، طبعی و وضعی. در سومی، یک شیء نشانه‌ای برای شیء دیگر قرار داده (وضع) می‌شود. انتقال ذهن از واژه به معنا از این گونه است. در دانش منطق، دلالت لفظ بر معنا به لحاظ میزان و چگونگی دلالت واژه بر معنای وضعی سه گونه دارد: مطابقی، تضمنی و التزامی. واژه در اولی، به همه معنا و در دومی، به بخشی از معنا و در سومی به معنایی بیرون از معنای وضعی دلالت دارد. (مظفر، ۱۳۸۸، ج ۱، صص ۴۰-۳۶) دانشیان اصول فقه، دلالت لفظ بر معنا را منطوق نامیده و آن را به صریح و غیرصریح تقسیم کرده‌اند. آن‌ها در این تقسیم‌بندی، مدلول مطابقی و تضمنی را با تأملی در آن، مدلول صریح و مدلول التزامی را مدلول غیرصریح دانسته‌اند که خود به سه گونه مدلول به دلالت اقتضاء، تنبیه و اشاره تقسیم می‌شود. (حائری اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۶)

دلالت آیات: بر پایه آنچه که در مفهوم‌شناسی تفسیر، تأویل و دلالت بیان شد؛ آیات قرآن کریم افزون بر دلالت صریح که دلالت مطابقی آن‌هاست و محور پژوهش در تفسیر است؛ دلالت غیرصریح نیز دارند که پژوهنده قرآنی تلاش می‌کند تا با تأویل به آن معانی باطنی راه پیدا کند.

بر این پایه معنایی را که مفسر به‌عنوان مدلول غیرمطابقی، غیرصریح، باطنی یا تأویلی آیات بیان می‌کند:

۱. جز معنایی است که به‌عنوان مدلول مطابقی، صریح، ظاهری یا تفسیری می‌یابد.
۲. باید مدلول عرفی آیه، یا دست‌کم از لوازم عقلی آن باشد یا روایتی معتبر بر اراده‌شدن آن معنا از آیه دلالت کند. اولی در دلالت آیه بر مصادیق آن کارایی دارد و دومی افزون بر بیان مصادیق، راهی انحصاری برای کشف مراد الهی، نهفته در لایه‌های معنایی غیرظاهر از واژگان قرآن کریم است.

۳. نباید با گزاره‌های یقینی و اطمینان‌بخش؛ مانند دلالت صریح آیات، روایات متواتر و هر روایتی که با قرائن اطمینان‌بخش اعتبار آن ثابت شده است و نیز برهان عقلی در ستیز باشد. (بابایی، ۱۳۹۴، ص ۲۴۶)

۲- دلالت آیات قرآن کریم بر امام مهدی علیه السلام

بر پایه آنچه که در مفهوم‌شناسی دلالت آیات آمد؛ پرسش این است که دلالت آیات قرآن کریم بر هرگونه موضوع مرتبط با امام مهدی علیه السلام در چه سطحی است؟ بررسی ظواهر آیات و پژوهش‌های تفسیری که در آن‌ها واژگان قرآن محور قرار دارند، نشان می‌دهد هیچ آیه‌ای در سطح ظاهر یا تنزیلی (به دلالت مطابقی و صریح) بر امام مهدی علیه السلام دلالت ندارد (ری‌شهری، ۱۳۹۳، ج ۲ ص ۱۰۱) و ادعای کسانی که آیاتی را در این سطح دال بر موضوع مهدویت دانسته‌اند، درست نیست. (نजारزادگان، ۱۳۹۰، ص ۴۱) نادرستی این ادعا را می‌توان در متن پژوهش آن‌ها که برای اثبات این دلالت، به قرائنی جز ظاهر تکیه کرده‌اند، به روشنی دید.

بر این پایه، تنها راه پیش‌رو برای یافتن آیات دال بر موضوع امام مهدی علیه السلام راهی جز تأویل و معانی باطنی نخواهد بود. راهی که با استناد به قواعد عرفی زبان و روایات معتبر ما را به مصادیق آیات رهنمون ساخته یا تنها با تکیه بر روایات معتبر، مراد الهی را از باطن آیات بر پژوهشگر می‌نمایاند. پس باید گام در راه تأویل نهاد و به شکل روشمند بررسی کرد که آیا می‌توان امام مهدی علیه السلام و موضوعات مربوط به آن حضرت را مصداقی برای آیه دانست یا با استناد به روایات معتبر، موضوعات یادشده را معانی بطنی آیات یافت.

۲-۱. شمار آیات مهدوی

در نوشته‌های حدیثی و تفسیری، در شمار آیاتی که به واسطه روایات درباره امام مهدی علیه السلام هستند، اختلاف چشمگیری دیده می‌شود؛ برای نمونه:

(الف) محمد بن ابراهیم نعمانی (د. حدود ۳۶۰ ق) در کتاب الغیبه خود، (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۶۹) بخش «ما نزل فيه علیه السلام من القرآن»، تنها پنج آیه را مستند به روایت، مرتبط به حضرت دانسته است: (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۴۲-۲۴۰)

۱. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ ...» ؛ (نور، ۵۵) درباره حضرت مهدی علیه السلام و یاران اوست.

۲. «وَلْتَنُ أَخْرُنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ»؛ (هود، ۸) درباره ظهور حضرت و یاران اوست.

۳. «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً»؛ (بقره، ۱۴۹) درباره گردآمدن یاران آن حضرت است.

۴. «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»؛ (حج، ۳۹) درباره حضرت مهدی عج و یاران اوست.

۵. «يُعَرِّفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ»؛ (الرحمن، ۴۱) درباره حضرت مهدی عج است که تبه‌کاران را از چهره آنان می‌شناسد.

ب. علامه مجلسی (د. ۱۱۱۰ ق) در کتاب بحار الأنوار، بخش مربوط به امام مهدی عج در بابی با عنوان «الآیات المؤولة بقیام القائم عج» ۶۶ روایت را که آمیخته با آیات است و به‌نوعی تأویل این آیات را امام مهدی عج و موضوعات مربوط به او می‌شناساند از منابع گوناگون نقل می‌کند. گفتنی است پاره‌ای از آنچه را که او در این بخش آورده است، موقوف است و به معصوم عج نمی‌انجامد؛ مانند اخباری که در این باب از ابن عباس نقل می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۵۳ و ۶۳)

ج. سعید اصفهانیان (معاصر) و همکاران او در کتاب هدایت به مهدی که آن را در چهار جلد سامان داده‌اند؛ بیش از هزار آیه را از راه تأویل، مربوط به مهدویت دانسته‌اند و نوشته‌اند: در این کتاب، صرفاً به آیاتی خواهیم پرداخت که به اعتبار روایات صریح و اختصاصی مهدوی در ذیل آیات و نه سخن روات، جمع‌آوری شده است؛ یعنی ۱۱۱۴ آیه. (اصفهانیان، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۶۱)

د. آیت‌الله محمد ری‌شهری (معاصر) و همکاران او در دانشنامه امام مهدی عج بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، آیات مرتبط با آن حضرت را که از راه تأویل شناخته‌اند در چهار دسته جا داده‌اند:

۱. آیات پیشگویی‌کننده از جهانی‌شدن اسلام: صف آیه ۹، توبه آیه ۳۳، فتح آیه ۲۸، انبیاء آیه ۱۰۵، قصص آیه ۵، نور آیه ۵۵، بقره آیه ۱۹۳-۱۹۲، انفال آیه ۳۹.
۲. آیات اشاره‌کننده به حکومت جهانی اسلام: حدید آیه ۱۷، اسراء آیه ۸۱، حج آیه ۴۱.

پیداست که دلالت تأویلی این آیات بر حکومت امام مهدی عج با استناد به روایات معتبر نیست؛ بلکه مستند به دلالت عرفی و تطبیق محتوا بر مصداق است.

۳. آیات تأویل شده به قیام امام مهدی عج، شمار آیات این دسته فراوان است؛ مانند یونس آیه ۴۸، حج آیه ۳۹، مریم آیه ۷۵.

گفتنی است آیات این دسته مانند آیه «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» (ملک، ۳۰) بگو: اگر آب در دسترس شما فرو رود، چه کسی آب گوارا برایتان می‌آورد؟ یا آیه «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا» (شمس، ۳) و سوگند به روز، آنگاه که روشن می‌شود؛ دلالت عرفی‌شان به موضوع امام مهدی عج بسیار غریب می‌نماید؛ یعنی دلالت عرفی راه به تأویل و تطبیق آن به موضوع یادشده ندارد؛ از این رو، تنها در صورتی می‌توان مراد باطنی این گونه از آیات را درباره امام مهدی عج دانست که حدیث معتبری بر این معنا دلالت نماید. بررسی‌های حدیث‌شناسانه نشان می‌دهد اسناد بسیاری از احادیث این دسته از اعتبار لازم برخوردار نیستند. (ری‌شهری، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۰۹) از این رو در استفاده از این آیات و استناد به آن‌ها در موضوع مهدوی نیاز به اعتبارسنجی دقیق روایات آن وجود دارد.

۴. آیات تطبیق شده بر یاران امام مهدی عج: نور آیه ۵۵، بقره آیه ۱۴۸، اسراء آیه ۵، انبیاء آیه ۱۰۵، حج آیه ۳۹، حجر آیه ۷۵، مائده آیه ۵۴، اسراء آیه ۷، حج آیه ۴۱.

ه. دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی در مقاله آیات مهدویت در قرآن از منظر احادیث تفسیری، ۳۲۴ آیه را مستند به روایات فریقین مربوط به موضوع مهدویت دانسته است. جمع‌بندی: بررسی‌ها نشان می‌دهد مفسران و دانشیان حدیث در تعداد آیات مرتبط با موضوع امام مهدی عج هم‌صدا نیستند و این ریشه در میزان اعتبار و نیز دلالتی دارد که آن‌ها برای روایات یادشده قائل هستند.

نمود پژوهشی مستقل درباره روایات تأویلی هریک از فریقین در موضوع مهدوی، از دشواری‌های این پژوهش است. گرچه کتاب مهدویت از نگاه مفسران اهل سنت، نوشته مصطفی ورمزیار و نیز مقاله حضرت مهدی عج در تفاسیر اهل سنت تلاش کرده‌اند دیدگاه مفسران عامه را در این باره نشان دهند؛ ولی پژوهشی با هدف بررسی روایات تأویلی عامه در موضوع مهدوی که به شکل ویژه به بررسی این دسته از روایات اهتمام داشته باشد، یافت نشد.

گفتنی است این کار درباره روایات امامیه نیز صورت نگرفته است. اثری که با نام هدایت به مهدی علیه السلام پیشتر از آن یاد کردیم؛ گرچه گردآوری گسترده روایات در این باره است؛ ولی هیچ‌گونه نقد و بررسی و نیز بیان چگونگی دلالت روایت بر موضوع مهدوی در آن دیده نمی‌شود.

کتاب‌هایی مانند معجم مهدویت در روایات تفسیری، نوشته مرتضی عبدی (معاصر)، نظر به هر دو دسته دارد و از کاستی‌های آن، شرح و توضیح تنها برخی روایات است. نباید از نظر دور داشت که این پژوهش تطبیقی است؛ یعنی قصد دارد در قالب تفسیر مقارن، آراء تفسیری عامه و امامیه را ذیل آیات مهدوی مقایسه کند؛ بنابراین تنها آیاتی را بررسی خواهد کرد که مفسران عامه و امامیه در ذیل آن آیات با تأویلی روشنمند و مرتبط با آیه به شکل بیان مصداق یا مراد الهی درباره امام مهدی علیه السلام سخن گفته باشند. برای همین دایره آیات مرتبط با امام مهدی علیه السلام از آن گسترده‌گی بیرون آمده و به سه قید آیه، تأویل و فریقین محدود می‌شود.

دکتر نجارزادگان در کتاب بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت به این هدف نزدیک شده است. او در این کتاب به بررسی دو دسته از آیات که فریقین ذیل آن‌ها با تکیه بر روایات از موضوع مهدویت سخن گفته‌اند، همت گمارده است. آیاتی که او بررسی کرده است، عبارت‌اند از: توبه، آیات ۳۳-۳۲ و نور، آیه ۵۵.

آقای محمدهادی قهاری کرمانی در پژوهش خود با نام بررسی تطبیقی روایات تفسیری فریقین- شیعه و اهل سنت - درباره امام مهدی علیه السلام که به شکل پایان‌نامه و نیز در مقاله‌ای که با عنوان بررسی تطبیقی مهدویت در روایات تفسیری شیعه و اهل سنت منتشر کرده است، راه را برای این پژوهش هموار ساخته است. او در تحقیق خود، روایات تأویلی درباره امام مهدی علیه السلام را در منابع فریقین کاویده و به سه دسته روایت دست پیدا کرده است:

۱. آیاتی که تنها امامیه ذیل آن‌ها روایات مهدوی نقل کرده است. در این دسته، ۳۶۲ آیه وجود دارد.

۲. آیاتی که تنها عامه ذیل آن‌ها روایتی مرتبط با منجی و ظهور نقل کرده‌اند. در این دسته، ۶ آیه و ۳۴ روایت از عامه آمده است. آیات این دسته عبارت‌اند از: بقره، آیه ۱۱۴ (خواری کفار و مشرکان پس از ظهور)، آل عمران، آیه ۴۶ (سخن گفتن حضرت عیسی در

زمان کهولت پس از نزول از آسمان)، آل عمران، آیه ۵۵ (زنده‌بودن حضرت عیسی و نزول وی در آخر الزمان از آسمان)، مائده، آیه ۱۱۸ (دست‌برداشتن مسیحیان از اعتقاد به تثلیث و موحدشدن آن‌ها پس از ظهور)، زخرف، آیه ۶۱ (منظور از علم الساعة در آیه، نمایان‌شدن حضرت عیسی است)، احزاب، آیه ۶۱ (منظور از ملعونین در آیه، دشمنان امام مهدی هستند). ۳. آیاتی که فریقین ذیل آن‌ها روایاتی درباره امام مهدی علیه السلام نقل کرده‌اند. این آیات عبارت‌اند از: نساء، آیه ۶۰ (مهدی از الذین انعمت علیهم است)، نساء، آیه ۱۵۹ (نزول حضرت عیسی در آخر الزمان)، انعام، آیه ۱۵۸ (علائم آخر الزمان و خروج دجال)، توبه، آیه ۳۳ (غلبه اسلام بر سایر ادیان)، قصص، آیه ۵ (وراثت زمین برای مستضعفان)، سبأ، آیه ۵ (داستان خسف بیداء)، شوری، آیه ۲-۱ (تأویل در حروف مقطعه س و ق)، محمد صلی الله علیه و آله، آیه ۴ (پایان یافتن جنگ‌ها پس از ظهور امام مهدی).

نتیجه اینکه با رویکرد تطبیقی (تفسیر مقارن)، تنها هشت آیه از قرآن هست که فریقین به ارتباط داشتن آن‌ها به موضوع منجی و ظهور امام مهدی علیه السلام آن هم از راه تأویل باور دارند. بیش از این تعداد، یا مورد پذیرش دو طرف نیست یا دانشمندان همان طرف، اعتبار یا دلالت روایت ادعایی را قبول ندارند.

۳- بررسی تطبیقی روایات تأویلی هشت آیه مشترک

در این بخش روایات فریقین درباره امام مهدی علیه السلام را ذیل آیات مشترک بررسی می‌کنیم. به این شکل که نخست، روایت امامیه را نقل کرده، سپس اعتبار آن را بررسی می‌کنیم. اعتبارسنجی روایات در اینجا یعنی تلاش برای یافتن میزان انتساب روایت به معصوم علیه السلام به کمک قرائنی مانند سند روایت، همراهی و یا عدم تعارض محتوای روایت با قرآن و مستقالات عقلی. بر پایه این مبنا که به آن نظریه وثاقت صدور در اعتبارسنجی یا اعتبارسنجی قرینه‌محور می‌گویند، (طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۳؛ حسینی، ۱۳۹۷، ص ۹۳ و ۱۰۰) روایت معتبر روایتی است که بتوان با یقین یا دست‌کم با اطمینان آن را صادرشده از معصوم علیه السلام دانست.

سپس محتوای مهدوی آن را با محتوای روایت عامه در این باره مقایسه می‌کنیم تا میزان همگرایی یا واگرایی محتوایی این دو نسبت به موضوع امام مهدی علیه السلام آشکار شود.

۳-۱. آیه نخست

«وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنٌ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء، ۶۹) و کسانی که از خدا و پیامبر [او] فرمان برند؛ [در قیامت] همراه با کسانی خواهند بود که خدا بر آنان نعمت ارزانی داشته است؛ یعنی پیامبران و راستی‌پیشگان و شهیدان و شایستگان و اینان چه خوب همنشینانی هستند.

۳-۱-۱. روایت تأویلی امامیه

روایتی که تأویل این آیه را درباره امام مهدی علیه السلام می‌شناساند، روایتی است که شیخ کلینی (ره) در کافی آورده است. در این نقل، امام علی علیه السلام در پاسخ به درخواست عمار بن یاسر که از آن حضرت خواسته است بهترین آفریده‌های خدا در روز رستاخیز را برای او نام ببرد، از هفت تن یاد می‌کند که هفتمین آن‌ها امام مهدی علیه السلام است:

«إِنَّ خَيْرَ الْخَلْقِ يَوْمَ يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ [سَبْعَةٌ مِنْ وَلَدِ عَبْدِ الْمُطَّلَبِ]: الرُّسُلُ وَ إِنَّ أَفْضَلَ الرُّسُلِ مُحَمَّدٌ (ص) وَ إِنَّ أَفْضَلَ كُلِّ أُمَّةٍ بَعْدَ نَبِيِّهَا وَصِيُّ نَبِيِّهَا ... وَ إِنَّ أَفْضَلَ الْأَوْصِيَاءِ وَصِيُّ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ ... وَ إِنَّ أَفْضَلَ الْخَلْقِ بَعْدَ الْأَوْصِيَاءِ الشُّهَدَاءُ أَلَّا وَ إِنَّ أَفْضَلَ الشُّهَدَاءِ حَمْزَةُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلَبِ وَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ... وَ السَّبْطَانِ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْمَهْدِيُّ (ع) ... ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ ...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۵۰)

بهترین آفریده‌ها، در روزی که خدا گردشان می‌آورد، [هفت گروه از تبار عبدالمطلب هستند]: [۱.] پیامبران که بهترینشان، محمد صلی الله علیه و آله است. [۲.] بهترین هر امتی پس از پیامبران، وصی آن پیامبر است ... بهترین اوصیاء، وصی محمد صلی الله علیه و آله است ... [۳ و ۴.] بهترین آفریده‌ها، پس از اوصیاء شهدا هستند که برترین آنها حمزه بن عبد المطلب و جعفر بن ابی طالب هستند و [۵ تا ۷.] دو نوه پیامبر، حسن و حسین و مهدی علیه السلام. سپس حضرت این آیه را خواند: و کسانی که از خدا و پیامبر [او] فرمان برند ...

در متن روایت از چگونگی تناسب آیه با محتوای سخنی به میان نیامده است؛ ولی براساس فهم عرفی و وجود رابطه‌ای حتمی میان اجزای کلام در گفتار حکیمانه می‌توان گفت:

براساس این روایت، امام مهدی علیه السلام مصداقی برای آیه که از راه تأویل و مستند به روایت دانسته می‌شود، شمرده شده است. به این ترتیب ما آن را معنایی نهفته در لایه باطنی قرآن

می‌دانیم.

این روایت را شیخ کلینی با سندی نقل می‌کند که در آن، دو تن وجود دارند که موجب ضعف سند می‌شوند. یکی حسین بن علوان کلبی است که وثاقتش ثابت نیست و دیگری علی بن حَزَّوَر غنمی است که ناشناخته است.

در محتوای روایت جمله‌ای که متعارض با قرآن و روایات معتبر و عقل باشد، دیده نمی‌شود؛ بنابراین نمی‌توان آن را مردود دانست و چون در مقام بیان مصداق است؛ مصادیقی که با هریک به شکل جداگانه آشنا هستیم؛ مانند خیر الانبیاء (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۱۹۱)، خیر الاوصیاء (طبرانی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۵۷)، پس می‌توان روایت را معتبر دانسته و آن را بیان معنای تأویلی آیه شمرد.

۳-۱-۲. روایت تأویلی عامه

در شواهد التنزیل روایاتی وجود دارد که همانند روایت امامیه، بلکه روشن‌تر امام مهدی علیه السلام را مصداقی برای آیه می‌شناساند. در این روایت که سندش به امام رضا علیه السلام و از او به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسد، آن حضرت درباره آیه مورد بحث فرمود:

«مَنْ النَّبِيِّنَ مُحَمَّدٌ، وَ مِنَ الصَّدِيقِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَ مِنَ الشُّهَدَاءِ حَمَزَةُ، وَ مِنَ الصَّالِحِينَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ حَسَنٌ أَوْلَئِكَ رَفِيقًا قَالَ: الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (ص)». (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۹۷)

[به شکل مصداقی، مراد از النَّبِيِّنَ، محمد صلی الله علیه و آله و از الصَّدِيقِينَ، علی بن ابی طالب علیه السلام و از الشُّهَدَاءِ حمزه سید الشهداء و از الصَّالِحِينَ حسن علیه السلام و حسین علیه السلام است و حَسَنٌ أَوْلَئِكَ رَفِيقًا یعنی قیام‌کننده آل محمد صلی الله علیه و آله].

جمع‌بندی: از منظر تفسیر مقارن، روایات امامیه و عامه، تأویل آیه ۵۹ سوره نساء را مرتبط با امام مهدی علیه السلام دانسته، هم‌نظر با هم آن حضرت را مصداقی برای آیه می‌شمارند.

۳-۲. آیه دوم

«وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِدًا» (نساء، ۱۵۹) و از اهل کتاب هیچ‌کس نیست مگر اینکه بی‌گمان، پیش از مرگش به او ایمان می‌آورد و او روز قیامت بر آنان گواه خواهد بود.

در اینکه مرجع دو ضمیر به و مَوْتِهِ، کیست؛ اختلاف نظر جدی میان مفسران فریقین دیده می‌شود و همین سبب بروز نظریه‌ها و احتمالات تفسیری گوناگون در میان آن‌ها شده است. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۱۶-۱۴ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۱۲-۲۱۱)

برخی احتمالات داده شده عبارت‌اند از:

۱. مرجع هر دو، حضرت عیسی علیه السلام است.
 ۲. مرجع اولی، حضرت عیسی علیه السلام و دومی، کتابی^۱ (هریک از اهل کتاب) است.
 ۳. مرجع اولی، پیامبر صلی الله علیه و آله و دومی، کتابی^۲ است.
- طبری پس از ذکر اقوال یادشده، قول اول را پذیرفته و تقویت می‌کند، (طبری، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۱۶) امین الاسلام نیز با تکیه بر روایت علی بن ابراهیم و مجمع باورهای امامیه، همین قول را می‌پذیرد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۱۲-۲۱۱) علامه طباطبایی نیز همین نظر را دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۳۵)
- ویژگی قول اول، همان‌گونه که صاحب مجمع‌البیان به آن تصریح کرده این است که با عقیده به مهدویت سازگار است. بر پایه این باور، حضرت عیسی علیه السلام زنده است و هنگام ظهور امام مهدی علیه السلام او نیز رخ می‌نماید و آنان که منکر او بودند؛ به او به‌عنوان یکی از پیامبران الهی ایمان می‌آورند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۱۱)
- با این مقدمه، سراغ روایات تأویلی آیه می‌رویم.

۳-۲-۱. روایت تأویلی امامیه

علی بن ابراهیم قمی با سند خودش از شهر بن حوشب نقل می‌کند:

حجّاج به من گفت: آیه‌ای در کتاب خدا مرا عاجز کرده است. گفتیم: ای امیر! کدام آیه؟ گفت: آیه «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ»؛ به خدا سوگند، هنگامی که من فرمان می‌دهم یک یهودی یا مسیحی را گردن بزنند، با چشم خودم به او می‌نگرم؛ ولی نمی‌بینم که لباسش را [به شهادتین] تکان دهد تا آنکه می‌میرد.

گفتم: خداوند، امیر را به سامان کند! آیه را درست تأویل نکردی. گفت: تأویل آن چیست؟ گفتم: «إِنَّ عِيسَى يَنْزِلُ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَى الدُّنْيَا فَلَا يَبْقَى أَهْلٌ مِلَّةَ يَهُودِيٍّ وَلَا نَصْرَانِيٍّ إِلَّا آمَنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يُصَلِّيَ خَلْفَ الْمُهْدِي»؛ عیسی پیش از روز قیامت به دنیا فرود می‌آید و

هیچ کس از یهودیان و مسیحیان نمی‌مانند، جز آنکه پیش از مرگش به او ایمان می‌آورند و او پشت سر مهدی نماز می‌خواند.

گفت: وای بر تو! این تأویل را چگونه یافته و از کجا آورده‌ای؟ گفتم: محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (امام باقر^{علیه السلام}) آن را برایم گفته است. (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۵۸)

دلالت روایت بر معنای تأویلی آیه و ارتباط آن با امام مهدی^{علیه السلام} روشن است؛ می‌ماند بررسی اعتبار آن. گرچه در استناد کتاب تفسیر قمی موجود به علی بن ابراهیم قمی (زنده در ۳۰۷ ق) که از روات امامی و موثق است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۶۰) میان کتابشناسان اختلاف است؛ (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۳۰۲؛ خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۹ و معرفت، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۲۶) ولی با اعتماد به گزارش نجاشی (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۶۰) می‌دانیم که علی بن ابراهیم چنین کتابی داشته است. گزارش‌های فراوان طبرسی (د. ۵۴۸ ق) از این کتاب (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۱۴، ۷۱۸)، گویای بودن این کتاب نزد اوست. اعتماد ما به این روایت که اکنون در کتاب تفسیر قمی وجود دارد، از آن جهت است که در طبرسی نیز آن را گزارش کرده است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۱۱)

۳-۲-۲. روایت تأویلی عامه

روایاتی که طبری ذیل قول اول می‌آورد، همگی در این محتوا مشترک هستند: «قَبْلَ مَوْتِهِ» یعنی قبل موت عیسی «و الله إنه الآن لحي عند الله و لكن إذا نزل آمنوا به أجمعون». (طبری، ۱۴۱۲ ق، ص ۱۴) این یعنی عیسی^{علیه السلام} اکنون زنده است و روزی به میان جامعه انسانی باز خواهد گشت. آن روز، کسانی که به او ایمان ندارند، به او ایمان خواهند آورد. با درنگ در این گروه از روایات عامه دانسته می‌شود گرچه این محتوا نزدیک به آنی است که از امامیه نقل کردیم؛ ولی در آن‌ها تصریحی به امام مهدی^{علیه السلام} یا دست‌کم منجی پایانی دیده نمی‌شود.

جمع‌بندی: از منظر تفسیر مقارن، روایت امامیه، تأویل آیه ۱۵۹ سوره نساء را درباره ظهور امام مهدی^{علیه السلام} و همراهی حضرت عیسی^{علیه السلام} با او می‌داند؛ ولی روایات عامه به چیزی بیش از بازگشت حضرت عیسی^{علیه السلام} دلالت ندارد. بر این پایه نمی‌توان روایات فریقین را در تأویل مهدوی این آیه هم‌نظر دانست.

۳-۳. آیه سوم

«هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ» (انعام، ۱۵۸) آیا [برای پذیرش حق] تنها انتظار این را دارند که فرشتگان به سراغشان بیایند یا پروردگار تو بیاید یا برخی از نشانه‌های پروردگار فرا رسد؟ روزی که پاره‌ای از نشانه‌های پروردگار فرا رسد، کسانی که پیشتر ایمان نیاورده یا در [زمان] ایمان‌داری‌شان کار خیری انجام نداده‌اند، ایمان آوردنشان سودی برایشان نخواهد داشت. بگو: منتظر باشید که ما هم منتظریم.

۳-۳-۱. روایت تأویلی امامیه

امام صادق علیه السلام در تأویل این آیه فرمود: «الْآيَاتُ هُمُ الْأُئِمَّةُ وَالْآيَةُ الْمُنْتَظَرَةُ الْقَائِمُ (ع) فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلِ قِيَامِهِ بِالسَّيْفِ وَإِنْ آمَنَتْ بَعْدَ تَقَدُّمِهِ مِنْ آبَائِهِ عليهم السلام»؛ (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۳۶) منظور از آیات، امامان هستند و آیه منتظره، قائم علیه السلام است. پس در آن روز [که حضرتش ظهور کند] ایمان آوردن کسی که پیش از قیام او با شمشیر ایمان نیاورده باشد، سودی ندارد، گرچه به پدران‌ش ایمان آورده باشد.

آن حضرت در روایتی دیگر پس از تأویل آن روز به ظهور امام مهدی علیه السلام «يَعْنِي خُرُوجَ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ مَنَّا» رو به ابوبصیر روای این روایت فرمود: «طُوبَى لِشَيْعَةٍ قَائِمِنَا الْمُنْتَظَرِينَ لظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَالْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»؛ (همان، ص ۳۵۷) خوشا به حال پیروان قائم ما که در روزگار غیبتش، انتظارش را می‌کشند و در روزگار ظهورش فرمانش را می‌برند. آنان، اولیای خداوند که نه بیمی بر آن‌هاست و نه اندوهگین می‌شوند.

سند روایت نخست، صحیح و دلالتش بر ارتباط تأویلی آیه با امام مهدی علیه السلام آشکار است. سند روایت دوم، تنها به دلیل ناشناخته‌بودن ابن شجاع، ضعیف شمرده می‌شود؛ ولی این ضعف به دلیل تأیید این محتوا با روایت معتبر پیشین ضرری به معتبردانستن روایت وارد نمی‌کند.

۳-۳-۲. روایت تأویلی عامه

براساس روایتی که طبری در بیان این آیه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند، یکی از معانی تأویلی این آیه مربوط به خروج دجال است:

عن أبي هريرة، قال: قال رسول الله ﷺ: «ثلاث إذا خرج لا ينفع نفسا إيمانها لم تكن آمنت من قبل أو كسبت في إيمانها خيرا: طلوع الشمس من مغربها و الدجال و دابة الأرض»؛ (طبري، ۱۴۱۲ ق، ج ۸، ص ۷۶) سه نشانه است که اگر ظهور کردند ایمان آوردن کسی که تا آن لحظه ایمان نیاورده است یا اگر آورده، عمل صالحی انجام نداده است، برای او سودی نخواهد داشت؛ آن سه عبارت‌اند از: طلوع خورشید از سوی مغرب، دجال و جنبه‌ای روی زمین.

خروج دجال در کتب عامه مربوط به دو موضوع دانسته شده است: یکی برپایی رستاخیز و رخداد قیامت (مسلم، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۲۲۲۶-۲۲۲۵) و دیگری ظهور مهدی ﷺ، (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۳، ص ۲۱۰) بر پایه معنای دوم، آیه محل بحث، با استناد به روایت یادشده، دلالتی تأویلی بر موضوع امام مهدی ﷺ دارد.

جمع‌بندی: از منظر تفسیر مقارن، روایات امامیه و عامه تأویل آیه انعام/۱۵۸ را در ارتباط با رخداد‌های هنگام ظهور امام مهدی ﷺ می‌دانند. هرچند موضوع دجال در منابع عامه بیشتر به نشانه‌های قیامت دلالت دارد؛ ولی شواهد و قرائنی یافت می‌شود که با استناد به آن‌ها می‌توان همنوایی محتوایی روایات فریقین در این باره را نشان داد.

۳-۴. آیه چهارم

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه، ۳۳) اوست آنکه پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر همه ادیان چیره گرداند، هرچند مشرکان خوش نداشته باشند.

۳-۴-۱. روایت تأویلی امامیه

امام کاظم ﷺ در بیان این آیه فرمودند: «يُظْهِرُهُ عَلَى جَمِيعِ الدِّيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ»؛ (کلینی، ج ۱، ص ۴۳۲) [اسلام را] هنگام قیام قائم بر همه دین‌ها چیره می‌کند.
در روایتی دیگر امام صادق ﷺ در بیان همین آیه فرمود: «وَاللَّهُ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ وَلَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ»؛ (صدوق، ج ۲، ص ۶۷۰) به خدا سوگند، هنوز تأویل آن به وقوع نپیوسته است و به وقوع نخواهد پیوست تا آنکه قائم خروج کند.

سند روایت نخست به دلیل ناشناخته‌بودن بعض اصحابنا، ضعیف شمرده می‌شود ولی سند روایت دوم که همان محتوا را در بردارد، صحیح است؛ بنابراین می‌توان به صدور آن از معصوم مطمئن شد و روایت را معتبر دانست.

۳-۴-۲. روایت تأویلی عامه

محمد بن یوسف بن محمد گنجی شافعی (د. ۶۵۸ ق) از سعید بن جبیر در بیان این آیه نقل می‌کند که «هو المهدی من عترۃ فاطمة علیها السلام»؛ (گنجی شافعی، ۱۴۰۴، ص ۵۲۸) او از تبار فاطمه علیها السلام است. فخر رازی (د. ۶۰۶ ق) نزدیک به همین معنا را از سدی، (د. ۱۲۸ ق) نقل می‌کند: «ذلک عند خروج المهدی، لا یبقی أحد إلا دخل فی الإسلام أو أدى الخراج»؛ (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۳۳) آن چیرگی هنگام ظهور مهدی علیه السلام رخ خواهد داد؛ آن هنگام همه یا اسلام می‌آورند یا به حکومت اسلامی خراج می‌دهند.

اگر گفته‌های سعید و سدی را مروی نبوی بدانیم؛ می‌توانیم با استناد به آن‌ها تأویل آیه را مربوط به امام مهدی علیه السلام بگیریم و اگر تنها نظریه تفسیری آن‌ها بی‌استناد به روایت نبوی باشد؛ از موضوع پژوهش ما بیرون خواهد بود.

جمع‌بندی: از منظر تفسیر مقارن، روایات امامیه و عامه، تأویل آیه را مربوط به هنگام ظهور امام مهدی علیه السلام می‌داند.

۳-۵-۱. آیه پنجم

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص، ۵) و می‌خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین به زبونی کشیده شده بودند، نعمت بی‌زحمت ارزانی داریم و آنان را پیشوا سازیم و وارث [زمین] گردانیم.

۳-۵-۱. روایت تأویلی امامیه

امام علی علیه السلام در بیان این آیه فرمود: «هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيُعْزِمُهُمْ وَيُدْلُّ عُدُوَّهُمْ»؛ (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۱۸۴) آن مستضعفان، خاندان محمد صلی الله علیه و آله هستند که پس از تحمل سختی‌ها، خدا، مهدی آنان را می‌فرستد و او، آنان را عزت می‌بخشد و دشمنانشان را خوار می‌گرداند.

شیخ طوسی پس از نقل مسند این روایت نوشته است: «و الأخبار فی هذا المعنی اکثر من أن تحصی»؛ روایت در این معنا بیش از اندازه شمارش است. این سخن شیخ، ما را به صدور این معنا از معصوم مطمئن می‌کند.

۳-۵-۲. روایت تأویلی عامه

نزدیک ترین روایات عامه به روایات امامیه در تأویل این آیه را حاکم حسکانی در شواهد التنزیل نقل کرده است. روایات یادشده گویای این معنا هستند که آیه درباره امامان از آل محمد علیهم السلام است و به بیش از این دلالت ندارد. برای نمونه:

حسکانی به سند خودش از مفضل بن عمر و او از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ نَظَرَ إِلَى عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ فَبَكَى وَ قَالَ: أَنْتُمْ الْمُسْتَضَعَّفُونَ بَعْدِي. قَالَ الْمُفَضَّلُ: فَقُلْتُ لَهُ: مَا مَعْنَى ذَلِكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ مَعْنَاهُ: أَنْتُمْ الْأُئِمَّةُ بَعْدِي. إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: وَ نَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ فَهَذِهِ الْآيَةُ فِينَا جَارِيَةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۵۵۵) پیامبر خدا به علی و حسن و حسین نگاه کرد و گریست و گفت: شما مستضعفان پس از من هستید. مفضل می گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: ای پسر پیامبر! معنای این سخن چیست؟ گفت: معنایش این است که شما امامان پس از من هستید، چون خداوند می فرماید: «و نريد ان نمنّ على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين». این آیه تا روز قیامت درباره ما جریان دارد. جمع بندی: از منظر تفسیر مقارن، امامیه با استناد به روایات تأویلی معتبر، تأویل آیه را مربوط به هنگام ظهور امام مهدی علیه السلام می داند؛ ولی در میان روایات عامه، روایتی که به روشنی تأویل آیه را مرتبط با آن حضرت بیان کند، یافت نشد.

۳-۶-۳. آیه ششم

«نَوَلُّوْا تَرَى اِذْ فَرَعُوْا فَلَا قُوَّةَ وَ اُخِذُوْا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيْبٍ» (سبأ، ۵۱) و اگر ببینی هنگامی را که [کافران] وحشت زده می شوند و گریزی در کار نیست و از جایی نزدیک گرفتار می گردند! با این مقدمه، سراغ روایات تأویلی آیه می رویم.

۳-۶-۱. روایت تأویلی امامیه

محمد بن ابراهیم نعمانی (د. ۳۶۰ ق) به شکل مسند از امام علی علیه السلام نقل می کند: «الْمُهْدِيُّ أَقْبَلَ جَعْدٌ بَخْدَهُ خَالٌ يَكُونُ مَبْدُوهُ مِنْ قَبْلِ الْمَشْرِقِ وَ إِذَا كَانَ ذَلِكَ خَرَجَ السُّفْيَانِيُّ فَيَمْلِكُ قَدْرَ حَمَلِ امْرَأَةٍ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ يَخْرُجُ بِالشَّامِ فَيَنْقَادُ لَهُ أَهْلُ الشَّامِ إِلَّا طَوَائِفُ مِنَ الْمُقِيمِينَ عَلَى الْحَقِّ يَعْصِمُهُمُ اللَّهُ مِنَ الْخُرُوجِ مَعَهُ وَ يَأْتِي الْمَدِيْنَةَ بِجَيْشٍ جَرَّارٍ حَتَّى إِذَا انْتَهَى إِلَى بَيْدَاءِ الْمَدِيْنَةِ خَسَفَ اللَّهُ بِهِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ: وَ لَوْ تَرَى اِذْ فَرَعُوْا فَلَا قُوَّةَ وَ اُخِذُوْا مِنْ مَّكَانٍ

قَرِيبَ» (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۳۰۴)؛ مهدی با موهایی موج‌دار و خالی در گونه از سمت شرق می‌آید و در این هنگام سفیانی خروج می‌کند و به اندازه بارداری یک زن، نه ماه، فرمان‌روایی می‌یابد و در شام خروج می‌کند و شامیان مطیع او می‌شوند؛ جز برخی دسته‌ها که بر حق پایداری می‌کنند و خدا آنان را از خروج با او نگاه می‌دارد. او با لشکری انبوه به‌سوی مدینه می‌آید تا اینکه به بیداء (بیابانی میان مدینه و مکه) می‌رسد. در آنجا خدای متعال او را به زمین فرو می‌برد و این همان سخن خدای متعال در کتابش است: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ فَرَغُوا فَلَاقَوْتَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ».

دلالت این روایت بر ارتباط تأویل آیه با موضوع امام مهدی علیه السلام روشن است. تعدد نقل‌ها در منابع فریقین در این باره (آیتی، ۱۳۸۹) در کنار نقل مستند نعمانی، ما را به صدور این معنا از معصوم مطمئن می‌سازد.

گفتنی است منظور از خَسَف بیداء یا به تعبیر درست‌تر خَسَف در بیداء، رخدادی است که در آن لشکر سفیانی که برای نابودی قیام امام مهدی علیه السلام از شام راهی مکه می‌شود، در جایی میان مکه و مدینه، به نام بیداء با اراده الهی در زمین فرو رفته و نابود می‌شوند (همان) این رخداد را نعمانی با سند موثق از امام صادق علیه السلام نقل کرده است. (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۶۴)

۳-۶-۲. روایت تأویلی عامه

طبری به سند خود از حدیثه و او از رسول خدا روایتی را نقل می‌کند که در محتوا با آنچه از منابع عامه نقل کردیم برابر است:

سفیانی از دره خشک [برمی‌خیزد و] در دمشق فرود می‌آید و دو لشکر روانه می‌کند: لشکری به مشرق‌زمین و لشکری به مدینه ... لشکر سفیانی در مدینه فرود می‌آید و آن را سه روز و سه شب غارت می‌کنند و سپس خارج می‌شوند و به مکه رو می‌آورند تا اینکه در بیداء (بیابان میان مدینه و مکه)، خداوند، جبرئیل را روانه می‌کند و به او می‌فرماید: ای جبرئیل! برو و آنان را هلاک کن! و او با پایش ضربه‌ای به آن بیابان می‌زند و خداوند، آنان را به زمین فرو می‌برد و این همان سخنش در سوره سبأ است: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ فَرَغُوا فَلَاقَوْتَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ». (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۷۳-۷۲)

جمع‌بندی: از منظر تفسیر مقارن، روایات امامیه و عامه، تأویل آیه ۵۱ سوره سبأ را مرتبط با رخدادهای مربوط به ظهور امام مهدی علیه السلام می‌دانند.

۳-۷. آیه هفتم

«حم * عسق» (شوری، ۲-۱)

این آیات که به این شکل خوانده می‌شوند: حا، میم * عین، سین، قاف؛ معنایی روشن، قطعی یا حتی اطمینان‌بخش برای ما ندارند (طباطبایی، همان، ج ۱۸، ص ۹) و آنچه مفسران و کاوشگران قرآنی در ذیل آن بیان داشته‌اند تنها احتمالاتی است که در معنای آن داده‌اند که شمار آن بسیار است، (زرکشی، ج ۱، ص ۲۶۶-۲۵۵) آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر خود بیست نظر را نقل بررسی کرده است (جوادی آملی، ج ۲، ص ۱۰۴-۶۹) و سخن حق در این باره همان پوشیده‌بودن معنای آن برای ماست که برخی مفسران بر آن پا فشرده‌اند. با این مقدمه، سراغ روایات تأویلی آیه می‌رویم.

۳-۷-۱. روایت تأویلی امامیه

در تفسیر قمی از امام باقر^{علیه السلام} روایت شده است: «حم عسق أَعْدَادُ سِنِي الْقَائِمِ»؛ (قمی، ج ۲، ص ۲۶۸) حم عسق، سال‌های عمر امام قائم است.

این روایت، خبر واحد است و روایتی که محتوای آن را تأیید کند، در دسترس نیست و نیز انتساب این کتاب به علی بن ابراهیم برای ما ثابت نیست، بنابراین گوینده حدّثنا در آغاز سند «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَا: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْعَلَوِيُّ عَنْ الْعَمْرِكِيِّ...» بر ما پوشیده و ناشناخته است. دو روای پس از او نیز چنین هستند؛ بنابراین سند روایت از نظر ما ضعیف است و چون مؤیدی در میان روایات ندارد؛ بنابراین اطمینان لازم برای استناد این روایت به معصوم^{علیه السلام} در ما پدید نمی‌آید.

روایت دیگر را استرآبادی (د. ۹۴۰ ق) در تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العترة الطاهرة بدون یادکرد همه سند از امام باقر^{علیه السلام} نقل کرده است: «حم حمیم و عین عذاب و سین سنون کسنی یوسف و قاف قذف و خسف و مسخ یكون فی آخر الزمان بالسفیانی و أصحابه و ناس من کلب ثلاثون ألف یخرجون معه و ذلک حین یرجأ القائم بمکة و هو مهدي هذه الأمة»؛ (استرآبادی، ۱۴۰۹، ص ۵۲۸) حامیم، حتمی‌بودن و عین، عذاب و سین، سال‌هایی مانند سال‌های یوسف و قاف، قذف (پرتاب‌کردن) و فرورفتن و مسخ‌شدن سفیانی و یارانش و سی‌هزار هزار نفر از مردم قبیله کلب است که با او خارج می‌شوند و در آخرالزمان روی می‌دهد، هنگامی که قائم در مکه خروج می‌کند و او، همان مهدی این امت است.

این روایت نیز از همان ضعف‌های روایت پیشین رنج می‌برد؛ برای همین به اطمینان لازم به صدور این روایت از معصوم علیه السلام در ما ایجاد نمی‌شود.

۳-۷-۲. روایت تأویلی عامه

احمد بن ابراهیم ثعلبی نیشابوری (د. ۴۲۷ ق) از بکر بن عبدالله مزنی نقل می‌کند: «... سین، سناء المهدی؛ قاف، قوه عیسی علیه السلام حین ینزل، فیقتل النصاری و یخرب البیع»؛ (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۳۰۳) سین، بندمرتگی مهدی علیه السلام و قاف، توانمندی عیسی علیه السلام است؛ آن هنگام که فرو می‌آید و مسیحیان را کشته و عبادتگاه‌های آنان را ویران می‌کند. ضعف این روایت از دیدگاه ما امامیه، عدم صدورش از معصوم علیه السلام است و اینکه روایت معتبری محتوای آن را پشتیبانی نمی‌کند.

جمع‌بندی: از منظر تفسیر مقارن، در روایات امامیه و عامه، روایاتی دال بر مرتبط‌بودن تأویل آیات نخست سوره شوری به موضوع امام مهدی علیه السلام وجود دارد؛ ولی هر دو از ضعف اعتباری رنج می‌برند.

۳-۸. آیه هشتم

«فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَتَّمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدَ وَ إِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرْنَا مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالُهُمْ»؛ (محمد، ۴) پس هنگامی که با کافران [مهاجم] روبه‌رو شدید، آنان را گردن بزنید [کنایه از کشتن است] تا زمینگیرشان کنید، هنگامی که چنین شد [و به اسارت شما درآمدند] بندهایشان را محکم ببندید تا در آینده، یا با احسان [و] یا با فدیة آزادشان کنید. [این فرمان] برای این است که جنگ [پایان یابد و] بارهایش را بگذارد. این است [فرمان خدا] و اگر خدا بخواهد خود از آنان انتقام می‌گیرد؛ ولی [دستور جهاد داد] تا برخی از شما را به وسیله برخی دیگر بیازماید و کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، هرگز اعمالشان را نابود نمی‌کند.

از آنجا که بررسی روایات تأویلی این آیه در موضوع پژوهش نیازمند آگاهی اجمالی از تفسیر آیه است؛ پیش از نقل روایات فریقین، چکیده آن را می‌آوریم: به هنگام رویارویی با دشمنان در میدان نبرد، با همه توان به آن‌ها یورش ببرید و همان‌گونه که آن‌ها در پی نابودی شما هستند، شما دست برتر در میدان باشید و به زندگی آن‌ها پایان دهید. سپس این کار را

تا چیرگی کامل بر دشمن ادامه دهید. پس از پیروزی است که می‌توانید آن‌ها را اسیر کنید و البته مراقب باشید در این زمینه کم‌کاری نکنید. پس از این مرحله، رهبر جامعه اسلامی بر پایه مصالح، می‌تواند آن‌ها را بی‌عوض یا با دریافت عوض آزاد کند. این وضع باید همچنان ادامه یابد تا جنگ بار سنگین خود را بر زمین نهد؛ کنایه از اینکه توان مقابله دشمن را درهم شکسته باشید و آتش جنگ خاموش گردد؛ اما کی جنگ میان اسلام و کفر پایان می‌گیرد؟ این سؤالی است که مفسران پاسخ‌های متفاوتی به آن داده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۴۰۱-۳۹۸)

با این مقدمه به سراغ روایات تأویلی فریقین درباره امام مهدی عج می‌رویم.

۳-۸-۱. روایت تأویلی امامیه

پیامبر ص فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَنْ يَذْهَبَ بِالدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ مَنَّا الْقَائِمُ يَقْتُلُ مُبِغِضِينَ وَ لَا يَقْبَلُ الْجُزْيَةَ وَ يَكْسِرُ الصَّلِيبَ وَ الْأَصْنَامَ وَ يَضَعُ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا وَ يَدْعُو إِلَى اخْذِ الْمَالِ فَيَقْسِمُهُ بِالسَّوِيَّةِ وَ يَعْدِلُ فِي الرِّعْيَةِ» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۷۹-۵۷۸)؛ همانا خدای متعال دنیا را از میان نمی‌برد تا قائم ما قیام کند و دشمنان ما را بکشد. او جزیه نمی‌پذیرد و صلیب و بت‌ها را می‌شکند و [چون] جنگ فرو بنشیند و به گرفتن مال فرا بخواند، آن را یکسان تقسیم می‌کند و میان مردم عدالت می‌ورزد.

سند این روایت به علت ناشناخته‌بودن برخی رجال حدیثی شیخ صدوق در این طریق، ضعیف شمرده می‌شود؛ ولی چون در محتوای آن چیزی که با ظواهر قرآنی و روایات معتبر یا مستقلات عقلی در تعارض باشد، دیده نمی‌شود؛ بلکه روایاتی، (ری‌شهری، ۱۳۹۳، ج ۹، ص ۳۶۱-۳۵۹) محتوای آن را تأیید می‌کند، می‌توان به صدور آن از معصوم عج اطمینان پیدا کرد.

۳-۸-۲. روایت تأویلی عامه

در میان روایات عامه، روایتی که به این معنا دلالت کند یا نزدیک به آن باشد؛ روایتی است که آیه را مربوط به زمان خروج حضرت عیسی عج می‌داند:

روایت اول را طبری از مجاهد در بیان همین بخش از آیه «ض» نقل می‌کند: «حتى يخرج عيسى ابن مريم، فيسلم كل يهودى و نصرانى و صاحب ملة، ... ذلك ظهور الإسلام على الدين كله» (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۶، ص ۲۸؛ بیهقی، ج ۹، ص ۱۸۰) تا اینکه عیسی بن مریم عج

ظهور می‌کند و در اثر آن، هر یهودی و مسیحی و پیرو دینی دیگر، بر حکم او گردن می‌نهند ... آن هنگام، زمان چیرگی اسلام بر ادیان دیگر است.

از آنجا که در منابع روایی عامه، تلازمی میان خروج یا پدیدارشدن حضرت عیسی علیه السلام و ظهور امام مهدی علیه السلام دیده نمی‌شود؛ بنابراین آیه یادشده نیز مانند آیه پنجم فاقد روایتی در منابع عامه است که تأویل آیه را درباره امام مهدی علیه السلام بشناساند.

نتیجه‌گیری

از هشت آیه‌ای که تأویل آن‌ها با رویکرد مقارن، مربوط به امام مهدی علیه السلام ادعا شده بود؛ تنها ارتباط پنج آیه ثابت شد و ارتباط سه آیه دیگر آن هم از سوی منابع عامه به موضوع یادشده به اثبات نرسید. در پنج آیه دیگر، روایات امامیه و عامه، تأویل آن آیات را درباره امام مهدی علیه السلام می‌شناسانند. موضوعاتی که آیات یادشده به شکل تأویل به آن‌ها دلالت دارند عبارت‌اند از:

مصدق بودن امام مهدی علیه السلام برای آیه ۵۹ سوره نساء؛ رخدادهای ظهور (دجال) در آیه ۱۵۸ سوره انعام و ۳۳ سوره توبه و ۵۱ سوره سبأ؛ ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام در آیه ۱ و ۲ سوره شوری.

بر این پایه، در قرآن کریم تنها پنج آیه وجود دارد که روایات فریقین (با نادیده‌گرفتن اعتبار آن‌ها)، تأویل آن‌ها را موضوعی در ارتباط امام مهدی علیه السلام می‌داند. این پنج آیه نیز با حذف مکررات، بر سه موضوع، مصداق بودن حضرت، رخدادهای ظهور و ویژگی حضرت دلالت دارند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (مترجم، فولادوند، محمد مهدی)
۱. استرآبادی، علی، (۱۴۰۹ ق). تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة. چاپ اول. قم: نشر اسلامی.
 ۲. اصفهانیان، سعید، (۱۳۹۲ ش). هدایت به مهدی؛ جامع آیات مهدوی در بیان عترت. چاپ اول. تهران: کتاب نشر.
 ۳. آقا بزرگ تهرانی، (۱۴۰۸ ق). الذریعة إلى تصانیف الشيعة. قم: اسماعیلیان.
 ۴. آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۵. آیتی، نصرالله، (۱۳۸۹ ش). خسف بیداء. مشرق موعود (۱۴).
 ۶. بابایی، علی اکبر، (۱۳۹۸ ش). مکاتب تفسیری. ج ۲، چاپ هشتم. قم: حوزه و دانشگاه.
 ۷. بابایی، علی اکبر، (۱۳۹۴ ش). قواعد تفسیر قرآن. چاپ اول. قم: حوزه و دانشگاه.
 ۸. بیهقی، احمد بن حسین. السنن الکبری. دارالفکر.
 ۹. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم، (۱۴۲۲ ق). الكشف و البیان عن تفسیر القرآن. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۱۰. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۴ ش). تسنیم. چاپ دهم. قم: اسراء.
 ۱۱. حائری اصفهانی، محمدحسین، (۱۴۰۴ ق). الفصول الغرورية في الأصول الفقهية. چاپ اول. قم: دار احیاء العلوم الاسلامیه.
 ۱۲. حسینی، سیدعلیرضا، (۱۳۹۷ ش). اعتبارسنجی احادیث شیعه. چاپ اول. قم: سمت.
 ۱۳. حسینیان قمی، مهدی، (۱۳۹۲ ش). تحلیل آیات و روایات مهدوی. پژوهش‌های مهدوی (۶).
 ۱۴. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، (۱۴۱۱ ق). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل. چاپ اول. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 ۱۵. خوئی، ابو القاسم، (۱۴۱۰ ق). معجم رجال‌الحديث. قم: مرکز نشر آثار شیعه.
 ۱۶. رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ق). مفاتیح الغیب. چاپ سوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۷. رجبی، محمود، (۱۳۹۱ ش). روش تفسیر قرآن. چاپ دوم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۹ ش). آیات مهدویت در قرآن از منظر احادیث تفسیری، مطالعات تفسیری (۴).
۱۹. ری شهری، محمد، (۱۳۹۳ ش). دانشنامه امام مهدی بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ. چاپ اول. قم: دارالحديث.
۲۰. زرکشی، محمد بن بهادر، (۱۴۱۰ ق). البرهان في علوم القرآن. بيروت: دارالمعرفة.
۲۱. سعیدی روشن، محمدباقر، (۱۳۸۳ ش). تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۲. صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، (۱۳۹۵ ق). کمال الدین و تمام النعمة. چاپ دوم. تهران: اسلامیه.
۲۳. صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، (۱۳۶۲ ش). الخصال. چاپ اول. قم: جامعه مدرسین.
۲۴. صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ ق). بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم. چاپ دوم. قم: کتابخانه مرعشی نجفی.
۲۵. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ پنجم. قم: جامعه مدرسین.
۲۶. طباطبایی، سید محمدکاظم، (۱۳۹۰ ش). منطق فهم حدیث. چاپ اول. قم: مؤسسه امام خمینی.
۲۷. طبرانی، سلیمان بن احمد، (۱۴۰۴ ق). المعجم الكبير. چاپ دوم. دار إحياء التراث العربی.
۲۸. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. چاپ اول. بیروت: دار المعرفة.
۲۹. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. چاپ سوم. تهران: ناصر خسرو.
۳۰. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۱ ق). الغیة. چاپ اول. قم: دار المعارف الإسلامية.

۳۱. طیب حسینی، سید محمود، (۱۳۸۹ ش). دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۸، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب.
۳۲. عبدی چاری، مرتضی، (۱۳۹۴ ش). معجم مهدویت در روایات تفسیری، چاپ دوم. تهران: اندیشه ظهور.
۳۳. قهاری کرمانی، محمدهادی، (۱۳۸۹ ش). بررسی تطبیقی مهدویت در روایات تفسیری شیعه و اهل سنت پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی (۶).
۳۴. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ ق). تفسیر القمی. چاپ سوم. قم: دارالکتاب.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق). الکافی. چاپ چهارم. تهران: اسلامیه.
۳۶. گنجی شافعی، محمد بن یوسف، (۱۳۶۲ ش). البیان فی أخبار صاحب الزمان، تهران، دار احیاء تراث اهل البيت ﷺ.
۳۷. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۸. مسلم بن حجاج، (۱۴۱۲ ق). صحیح مسلم. چاپ اول. قاهره: دارالحديث.
۳۹. مظفر، محمدرضا، (۱۳۸۸ ق). المنطق. نجف: مطبعة النعمان.
۴۰. معرفت، محمدهادی، (۱۴۱۸ ق). التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، چاپ اول. مشهد: دانشگاه جامع رضوی.
۴۱. معرفت، محمدهادی، (۱۳۸۶ ش). التمهيد في علوم القرآن، چاپ اول، قم: التمهيد.
۴۲. معرفت، محمدهادی، (۱۴۲۷ ق). التأويل في مختلف المذاهب والآراء. تهران: مجمع جهانی تقرب بين مذاهب اسلامي.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ ش). تفسیر نمونه. چاپ اول. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۴۴. مهدیان‌فر، رضا، (۱۳۹۶ ش). واپسین روزهای تاریخ در آیه ۵۵ سوره نور از دیدگاه مفسران، مطالعات تفسیری (۳۰).
۴۵. نجارزادگان، فتح‌الله، (۱۳۹۰ ش). بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت در دیدگاه فریقین. چاپ دوم. قم، حوزه و دانشگاه.
۴۶. نجاشی، احمد، (۱۳۶۵ ش). فهرست أسماء مصنفی الشيعة (رجال نجاشی). چاپ ششم. قم، جامعه مدرسین.

۴۷. نعمانی، محمدابراهیم، (۱۳۹۷ ق) الغیبة. چاپ اول. تهران: صدوق.
۴۸. ورمزیار، مصطفی، (۱۳۹۴ ش). مهدویت از نگاه مفسران اهل سنت. چاپ اول. قم: آینده روشن.

پایان نامه

۱. قهاری کرمانی، محمدهادی، (۱۳۸۲ ش). بررسی تطبیقی روایات تفسیری فریقین - شیعه و اهل سنت - درباره امام مهدی علیه السلام. پایان نامه ارشد، راهنما: فتح الله نجارزادگان و مشاور: مهدی مهریزی.